

Research Paper

The Impact of Knowledge Components on Economic Resiliency From the Nahj al-Balaghe Perspective




*Abolfazl Shahabadi¹ , Zeinab Zarrin Na'1² 

1. PhD. in Economics, Professor, Department of Economics, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran.
2. MA. Student, Department of Financial Management and Accounting, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Shahabadi, A., & Zarrin Na'1, Z. (2019). [The Impact of Knowledge Components on Economic Resiliency From the Nahj al-Balaghe Perspective (Persian)]. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 6(Special Issue), 808-823.

 <http://dx.doi.org/10.32598/JMSP.6.Special.Issue>.



Received: 22 Aug 2017

Accepted: 11 Nov 2018

Available Online: 10 Mar 2019

Key words:

Resistive economy,
Knowledge economy,
Alavi's government,
Nahjbalaghe

ABSTRACT

Western societies had enforced sanctions against the Islamic Republic of Iran and Iran's supreme leader presented a new concept, i.e., the resilient economy and explained its effective components as an efficient and suitable solution before regime authorities to take advantages of this opportunity and putting the country on the path of economic development and other goals. A glance at conducted research in this field shows that the indexes like economy privatization, reducing the dependence on oil, correcting the consumption pattern, fighting against corruption, supporting domestic production and the most important thing, the knowledge-based economy are the components of the resilient economy. Because the implementation of different aspects of a resilient economy is only possible in a knowledge-based economy, it is necessary to explain the components of a knowledge-based economy. Entrepreneurship, human capital, training, and social capital are the most important components of knowledge. Because the Nahj al-Balaghe is the most comprehensive religious source after The Holy Quran, it contains good and inspiring commands and teachings for all individual and social aspects. However, it is been overlooked in explaining knowledge-based and resilient economy; it is necessary to remedy this negligence. Therefore, the main objective of this research is to provide effective strategies by modeling the Imam Ali's (a.s) ruling way to implement a resilient economy, in order that Islamic countries advance towards development and achieve the highest goals.

JEL Classification: O11; G38; G28

* Corresponding Author:

Abolfazl Shahabadi, PhD.

Address: Department of Economics, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran.

Tel: +98 (912) 6991691

E-mail: a.shahabadi@alzahra.ac.ir

تأثیر مؤلفه‌های دانش بر اقتصاد مقاومتی از منظر نهج البلاغه

* ابوالفضل شاه‌آبادی^۱، زینب زرین‌نعل^۲

۱- دکترای اقتصاد، استاد، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
 ۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت، گروه مدیریت مالی و حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

تاریخ دریافت: ۳۱ مرداد ۱۳۹۶
 تاریخ پذیرش: ۲۰ آبان ۱۳۹۷
 تاریخ انتشار: ۱۹ اسفند ۱۳۹۷

به دنبال شدت گرفتن تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران از سوی جوامع غربی، رهبر معظم انقلاب با طرح و ارائه مفهومی با نام اقتصاد مقاومتی و نیز تبیین مؤلفه‌های اثربخش آن، راهکاری کارا و مناسب را پیش‌روی مسئولان و کارگزاران نظام قرار دادند تا از فرصت پیش‌آمده بهره کافی برده شود و کشور در مسیر توسعه اقتصادی و دیگر اهداف مدنظر قرار گیرد. با نگاهی به پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه، شاخص‌هایی همچون مردمی‌کردن اقتصاد، کاهش وابستگی به نفت، اصلاح الگوی مصرف، مبارزه با فساد، حمایت از تولید داخلی و از همه مهم‌تر اقتصاد دانش‌بنیان را می‌توان از جمله مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی دانست. به دلیل آنکه پیاده‌سازی ابعاد مختلف اقتصاد مقاومتی تنها در فضای اقتصاد دانش‌بنیان است که امکان‌پذیر می‌شود، ضروری است در جهت تشریح مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان اقدامی جدی صورت گیرد. کارآفرینی، سرمایه‌انسانی و آموزش و سرمایه اجتماعی اهم مؤلفه‌های دانش هستند. از طرفی با وجود آنکه نهج‌البلاغه بعد از قرآن کامل‌ترین و جامع‌ترین منبع دینی است و در آن برای تمام بخش‌های مختلف اعم از فردی و اجتماعی دستورات و تعالیم روح‌بخش ذکر شده است، در حوزه تبیین اقتصاد دانش‌بنیان و نیز اقتصاد مقاومتی از آن غفلت شده و لازم است برای رفع این غفلت تلاش صورت گیرد. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش ارائه راهکارهای اثربخش با الگوگیری از شیوه حکومتی امام علی (ع) برای پیاده‌سازی مؤلفه‌های دانش در راستای دستیابی به اقتصاد مقاومتی است تا کشورهای اسلامی در مسیر توسعه گام بردارند و به اهداف عالی دست یابند.

طبقه‌بندی JEL: O11; G38; G28

کلیدواژه‌ها:

اقتصاد مقاومتی،
 اقتصاد دانش‌بنیان،
 حکومت علوی،
 نهج‌البلاغه

* نویسنده مسئول:

دکتر ابوالفضل شاه‌آبادی

نشانی: تهران، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، گروه اقتصاد.

تلفن: ۶۹۹۱۶۹۱ (۹۱۲) ۹۸+

پست الکترونیکی: a.shahabadi@alzahra.ac.ir

مقدمه

طرح مفهومی ای که با نام اقتصاد مقاومتی همزمان با شدت گرفتن تحریم‌ها از سوی مقام معظم رهبری مطرح شد، چندی است که ذهن بسیاری از اقتصاددانان را برای توضیح، تبیین، تشریح مؤلفه‌ها و همچنین پیاده‌سازی آن به خود معطوف کرده است. ایشان در سال ۱۳۹۱ و در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، اقتصاد مقاومتی را اقتصادی معرفی کرده‌اند که علاوه بر حفظ روند رو به رشد اقتصادی، آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند. اهتمام به شناخت دقیق ابعاد اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و اجرایی کردن آن موجب می‌شود ضمن از بین بردن مشکلات و موانع، کشور در مسیر دستیابی به توسعه اقتصادی و اهداف عالی‌مدنظر قرار گیرد. بدیهی است غفلت از این امر تشدید وابستگی به واردات کالاهای اغلب اساسی، بیکاری گسترده‌تر نیروی کار، شکاف وسیع‌تر فناوری، عقیم‌ماندن بیشتر فعالیت‌های تحقیق و توسعه و غیره را به همراه خواهد داشت. با نگاهی به پژوهش‌های صورت گرفته می‌توان مؤلفه‌هایی همچون مردمی کردن اقتصاد، کاهش وابستگی به نفت، اصلاح الگوی مصرف، مبارزه با فساد، حمایت از تولید داخلی و از همه مهم‌تر اقتصاد دانش‌بنیان را از جمله مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی دانست.

دلیل تأکید بیشتر بر دانشی شدن اقتصاد بدین سبب است که اجرایی کردن آن به نوعی مقدمات لازم برای دستیابی به دیگر مؤلفه‌ها را فراهم می‌کند و درحقیقت آنان را پوشش می‌دهد. از نظر سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ اقتصاد دانش‌محور، اقتصادی است که مستقیماً بر اساس تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات قرار گرفته باشد. به‌وضوح مشخص است با محور قرار دادن دانش در تمامی بخش‌های مختلف اقتصادی، ضمن تولید با کیفیت و نیز تقویت تولید ملی و افزایش بهره‌وری عوامل تولید، فعالیت بخش خصوصی گسترده و کارا تر و زمینه لازم برای کاهش وابستگی به نفت ایجاد می‌شود. باید توجه داشت که اقتصاد دانش‌بنیان خود معلول مؤلفه‌های دانش همچون کارآفرینی، سرمایه انسانی، آموزش، سرمایه اجتماعی و غیره است.

در هیچ مکتبی به اندازه مکتب اسلامی تا این حد توصیه به فراگیری علم و دانش و عمل کردن به آن نشده است. این توصیه در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و به‌ویژه اقتصادی به‌خوبی مشهود است. بدیهی است نمونه اجرای دستورات دینی و الهی حکومت اسلامی را تنها در دوران اندک حکومت علوی شاهد هستیم.

مهم‌ترین عامل در تحقق اقتصاد مقاومتی، قرار گرفتن دانش در محوریت انجام همه امور است. با نگاهی به سیره عملی امام علی (ع) به‌خوبی قابل مشاهده است که ایشان به این نکته توجه داشتند و همواره آن را رعایت می‌کردند. همان‌طور که در حکمت ۹۲ فرموده‌اند: «...برترین علم، علمی است که در اعضا و جوارح آشکار است» (دشتی، ۲۰۱۴). بنابراین، دور از ذهن نخواهد بود که الگوگیری از روش‌ها و سیاست‌های حکومتی ایشان خصوصاً در بحث اقتصاد، حکومت‌های اسلامی را به اقتصاد دانش‌بنیان و تحقق اقتصاد مقاومتی نزدیک خواهد کرد. از آنجا که یکی از نتایج مهم اقتصاد مقاومتی داشتن توسعه‌ای پایدار است، تلاش در این راستا جامعه اسلامی را به توسعه اقتصادی نزدیک می‌کند که خود مقدمه‌ای برای رسیدن به هدف غایی حکومت اسلامی

1. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

است که همان قرب الهی و خداگونه‌شدن انسان است، چراکه در مکتب اسلامی برخلاف دیگر مکاتب مادی اعم از سنتی و مدرن، هدف نهایی فراتر از توسعه اقتصادی است.

۱- ادبیات موضوع

۱-۱- مبانی نظری

چگونگی دستیابی به رشد و توسعه‌ای که بتواند جامعه را در بیشینه‌ساختن منافع و سود کمک کند و آن را در پیشبرد اهداف یاری رساند، همواره موضوع مورد علاقه و بحث اقتصاددانان مختلف بوده است. با این تفاوت که در گذشته وزن اصلی برای دستیابی به اهداف نام‌برده شده متکی به عوامل سنتی تولید بود و به سرمایه‌های مهمی همچون انسانی و اجتماعی کمتر توجه می‌شد، اما باگذشت زمان و مطرح‌شدن مؤلفه‌های دانش در انجام امور، جایگاه ابعاد مختلف سرمایه، به‌ویژه سرمایه انسانی و اجتماعی در راهبردهای توسعه افزایش و جایگاه عوامل سنتی تولید کاهش یافت. از آنجا که اقتصاد، علمی است که در آن سنت‌های فکری زیادی ظهور و افول کرده است (رهبر، سیف‌الدین و رهبر، ۲۰۱۴)، لازم است مکاتب مختلف اقتصادی همچون راهبردهای پولی، اقتصاد آزاد، صنعتی‌شدن، انقلاب سبز، توزیع مجدد و توسعه سوسیالیستی بازبینی شوند و به تبیین این موضوع پرداخته شود که هر کدام دستیابی به این مهم را به چه طریقی میسر دانسته‌اند.

با نگاهی به راهبردهای مطرح‌شده در هریک از مکاتب مذکور می‌توان مکتب پولی فریدمن و راهبرد توسعه سوسیالیستی را دو سر یک طیف دانست. بدین ترتیب که هرچه از مکتب پولی به سمت راهبرد توسعه سوسیالیستی پیش برویم، نقش دولت در فعالیت‌های اقتصادی پررنگ‌تر خواهد شد. پیروان مکتب پولی فریدمن به اقتصادی کاملاً آزاد اعتقاد داشتند و بیان می‌کردند دولت به‌هیچ‌وجه نباید در فعالیت‌های اقتصادی حضور داشته باشد. اما تجربیات کشورهای مثل آرژانتین و شیلی که با پیاده‌سازی این سیاست‌ها نتوانستند به اهداف مدنظر دست پیدا کنند نشان داد اگر اقتصاد سرمایه‌داری به حال خود گذاشته شود، احتمال دارد بسیار پایین‌تر از ظرفیت بالقوه خود عمل کند. بنابراین، لازم است دولت‌ها مسئولیت هدایت اقتصاد را از طریق سیاست‌های سمت عرضه و تقاضا به عهده گیرند (گریفین، ۲، ۱۹۹۶).

از طرفی در مکتب راهبرد توسعه سوسیالیستی کاملاً برعکس این اعتقاد وجود داشت؛ برای مثال در این نوع نظام، مالکیت ابزار تولید به جای آنکه خصوصی باشد، در اختیار جامعه است یا اینکه تمام بنگاه‌های صنعتی بزرگ در تملک دولت هستند (گریفین، ۱۹۹۶). اما نظریات این مکتب نیز نتوانست راه را برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی هموار کند؛ چراکه در نظام سوسیالیستی اصل بر برابری کامل است و مالکیت خصوصی به هر نحو نفی شده بود. بدیهی است که در این صورت انگیزه افراد برای خلاقیت و نوآوری از بین می‌رود و در نهایت این امر فقدان تحول فنی را در پی خواهد داشت.

محوریت اصلی راهبردهای اقتصاد پولی، آزاد، صنعتی‌شدن و انقلاب سبز، رشد اقتصادی بوده است و توزیع

متعادل درآمد جایگاه فرعی داشت. در حالی که اساسی‌ترین مبحث مطرح‌شده در راهبردهای توزیع مجدد مواهب و راهبرد سوسیالیستی توزیع متعادل درآمد و ثروت بوده است. در هر حال با نگاهی به ایده‌های موردبحث در هریک از مکاتب مذکور، می‌توان گفت که امروزه راز موفقیت برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، افزایش قدرت رقابت‌پذیری، ایجاد وابستگی متقابل و دیگر اهداف مدنظر، در گروهی اشراف دقیق بر راهبردهای مختلف هریک از مکاتب و به‌خدمت‌گرفتن ترکیبی از آن‌هاست. همان‌طور که گفته شد در مدل‌های اولیه رشد اقتصادی بیشتر بر عوامل فیزیکی به عنوان منابع تولید تأکید می‌شد (بهبودی و امیری، ۲۰۱۰).

با آغاز دهه نود میلادی مبنای متفاوتی برای توسعه کشورها ارائه و تلاش شد رشد بلندمدت با تأکید بر نقش عوامل دانش، بازننگری و مفهومی با نام اقتصاد دانش‌بنیان ایجاد شود. در اقتصاد دانش‌محور ساختارهای اقتصادی به طور کلی تغییر کرده است؛ بخش‌های مرتبط با تولید، توزیع و مصرف اطلاعات و دانش اهمیت یافته است و تمامی فعالیت‌های اقتصادی بر محور دانش قرار گرفته است (عمادزاده، شهنازی و دهقان شبانی، ۲۰۰۶). با ظهور اقتصاد دانش‌بنیان به مفاهیمی همچون سرمایه انسانی و آموزش، کارآفرینی و سرمایه اجتماعی که به عنوان مؤلفه‌های دانش شناخته شدند، بیش از پیش توجه شد. در تعریفی، سرمایه انسانی را شامل دانش، مهارت‌ها، توانایی‌ها و طرز فکر کارکنان دانسته‌اند (امیرخانی و آغاز، ۲۰۱۱). کارآفرینی نیز موتور محرکه توسعه اقتصادی و اجتماعی و ایجادکننده ثروت‌ها و ارزش‌هاست (هزارجریبی، ۲۰۰۹). همچنین از نظر پوتنام^۳ سرمایه اجتماعی به مجموعه مفاهیمی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها اشاره دارد که موجب ایجاد ارتباطات و مشارکت بهینه همه اعضای یک اجتماع می‌شود و درنهایت به تأمین منافع متقابل آن‌ها منجر می‌شود (امیرخانی و آغاز، ۲۰۱۱).

هدف از تمامی مبنای مطرح‌شده، دستیابی به توسعه‌ای پایدار و بلندمدت است که منافع افراد جامعه را بیشینه کند. در حالی که اسلام این هدف را تنها مقدمه‌ای برای هدف نهایی خود می‌داند و در سطحی بالاتر به دنبال زمینه‌سازی برای ایجاد فضایی است که در آن افراد جامعه بتوانند به پرورش استعداد و ظرفیت‌های خود بپردازند و فضائل و کرامات انسانی را کسب کنند؛ چراکه این امر درنهایت قرب الهی را در پی خواهد داشت. به عبارتی بین آرمان‌های دینی و اقتصادی در مکتب اسلام تعامل و هماهنگی وجود دارد؛ تا جایی که اسلام، اقتصاد را وسیله‌ای برای رشد و تعالی انسان می‌داند (اصغری، ۲۰۱۴). بدیهی است به دلیل والابودن هدف غایی، مکاتب مختلف مطرح‌شده نمی‌توانند الگویی کامل برای کشورهای اسلامی باشند.

با وجود آنکه نهج‌البلاغه بعد از قرآن کامل‌ترین و جامع‌ترین منبع دینی است و در آن برای تمام بخش‌های مختلف اعم از فردی و اجتماعی دستورات و تعالیم روح‌بخش ذکر شده است، در حوزه تبیین اقتصاد دانش‌بنیان و نیز اقتصاد مقاومتی از آن غفلت شده و لازم است برای رفع این غفلت تلاش شود. بنابراین، به دلیل بدیع‌بودن موضوع بحث، تنها به بررسی مفاهیم اقتصاد دانش‌بنیان و اقتصاد مقاومتی در مطالعات گذشته پرداخته خواهد شد و ابعاد مهم این دو مقوله بسیار مهم از نظر پژوهشگران مختلف بررسی خواهد شد.

3. Putnam

۲-۱- پیشینه پژوهش

اسدی (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با عنوان «نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی»، اقتصاد مقاومتی را محصول اقتصاد اسلامی دانست و تصریح کرد که اقتصاد اسلامی لزوماً مقاومتی خواهد بود؛ چراکه اقتصاد در یک نظام اسلامی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علم و مکتب اقتصادی را همزمان دارد.

سیف‌الدین و رهبر (۲۰۱۳) با نگرشی جدید به بستر نهادی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نقش اسلام در تحقق اقتصاد دانش‌بنیان را مؤثر و مهم قلمداد کردند و معتقدند ظرفیت‌های اسلام در راستای کارکردهای اساسی اقتصاد دانش‌بنیان، زایدالوصف است.

رهبری بنیانیان، امجدی و سلطانی (۲۰۱۲) تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان را بر تولید ناخالص داخلی^۴ را بازبینی کردند. آنان اقتصاد دانش‌بنیان را نوعی از اقتصاد معرفی کردند که موجب می‌شود دانش به عنوان عامل اصلی در تشکیل ثروت و دارایی نقش ایفا کند. نتایج به‌دست‌آمده از تحقیقات آماری نشان داد مؤلفه‌هایی همچون توسعه انسانی، رژیم‌های اقتصادی، سیستم‌های نوآوری، منابع انسانی و آموزش و نیز ساختارهای اطلاعاتی بر رشد تولید ناخالص اثر مستقیم دارند.

گالابوا^۵ (۲۰۱۲) در پژوهش خود سیاست‌های نوآوری را به عنوان یکی از اصلی‌ترین ابزار موجود برای دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان معرفی کرد. او جامعه آماری خود را سه کشور فنلاند، بلغارستان و اسکانلند به عنوان نمایندگان کشورهای اروپایی قرار داد. او بدین نتیجه دست یافت که دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان منوط به وجود سیاست‌های مناسب آموزشی، تحقیق و نوآوری است و در غیر این صورت عملاً امکان‌پذیر نیست. در ادامه و قبل از پرداختن به مؤلفه‌های دانش و سازوکار اثر گذاری آن‌ها بر اقتصاد مقاومتی به دلایل مذکور ضرورت دارد به موضوع ایجاد برابری که بسترساز بسط مؤلفه‌های دانش است پرداخته شود.

۲- روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش ابتدا حکمرانی خوب را به عنوان سازمان‌دهنده مؤلفه‌های دانش بررسی و بعد از آن تأثیر ایجاد برابری بر بسط مؤلفه‌های دانش تشریح شده است و در نهایت با رویکردی نوین تأثیر مؤلفه‌های مذکور بر تحقق اقتصاد دانش‌بنیان و اقتصاد مقاومتی با تاسی از شیوه‌های حکومتی امام علی (ع) بررسی شده است.

۳- یافته‌های پژوهش

۳-۱- ایجاد برابری بسترساز بسط مؤلفه‌های دانش

بحث در رابطه با چگونگی ایجاد بستری که تمامی افراد جامعه در قالب آن بتوانند بدون هیچ دغدغه‌ای استعدادها و توانایی‌های خود را بروز دهند و بر قابلیت‌های خود بیفزایند تا در نتیجه به ظهور مؤلفه‌های دانش

4. Gross Domestic Product (GDP)

5. Galabova

در جامعه منجر شود، همواره مسئله‌ای است که جامعه‌شناسان و اندیشمندان مختلف در صدد پاسخگویی به آن بوده‌اند. به طور کلی بین مکاتب مختلف مادی و غیرمادی درباره این موضوع دو دیدگاه کلی وجود دارد. هر چند اهداف متفاوت است و در مکتب اسلامی مقاصد مدنظر بسیار فراتر از مکاتب مادی است. در گذشته و به عقیده پیروان دیدگاه سنتی مکاتب مادی، وجود نابرابری در جامعه موجب دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی می‌شود. بدین ترتیب که جمع‌شدن منابع و امکانات در دست گروهی قلیل باعث تمرکز ثروت و انباشت سرمایه می‌شود و از طریق ایجاد اشتغال و گسترش تولید، افزایش تولید ناخالص داخلی جامعه را به همراه خواهد داشت و منفعت آن در نهایت به همگان می‌رسد. اما با پررنگ‌شدن نقش انسان در این فرایند و اهمیت کارایی و بهره‌وری او در تولید، سرمایه انسانی و اجتماعی مهم تلقی شد و توصیه به نابرابری جای خود را به تلاش برای توزیع برابر امکانات و منابع بین تمامی افراد جامعه داد. اندیشه‌ای که عامل تأکید به ایجاد برابری است از این موضوع نشئت می‌گیرد که افزایش نابرابری نه تنها در ایجاد پس‌انداز و انباشت سرمایه مؤثر نیست، بلکه از طریق هزردان استعدادها بالقوه، موجب کاهش بهره‌وری عوامل تولید و کاهش قدرت رقابت‌پذیری و رشد و توسعه اقتصادی می‌شود (پیرایی و رضایی، ۲۰۱۰).

بنابراین، برابری از طریق بسترسازی و تأثیر بر سیاست‌های مناسب آموزشی، اجتماعی، اقتصادی و غیره به ایجاد فضایی عادلانه برای توسعه توانایی‌های عموم جامعه منجر و سبب می‌شود هر فرد در پی کشف و بروز استعداد و ظرفیت‌های خود برود و علاوه بر بروز خلاقیت و نوآوری و هموارشدن مسیر، کارآفرینی، سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی نیز شکل گیرد. بدیهی است که این مقدمات نیز به دانش‌محورشدن اقتصاد و بعد از آن تحقق اقتصاد مقاومتی کمک خواهد کرد.

توسعه را به مفهوم واقعی می‌توان فرایند چندبعدی و چندبخشی شامل آن دسته از تغییرات اجتماعی و سیاسی دانست که به بهبود زندگی بشر از نظر مادی و معنوی کمک می‌کند (امیرخانی و آغاز، ۲۰۱۱) و آشکار است جامعیت این مفهوم را تنها در مکتب اسلامی شاهد هستیم. از آنجا که در حکومت اسلامی هدف غایی ایجاد فضایی برای حرکت افراد به سمت قرب الهی و پرورش فضائل انسانی و همچنین سعی در کمک به آن‌ها برای بروز استعدادها و توانایی‌هاست، مسئله برابری، اهمیتی دوچندان پیدا کرده است. امیرالمؤمنین در حکومت خویش، به‌خوبی مسئله برابری و اثرات مثبت آن را تشریح و همچنین آثار سوء نبود آن را گوشزد کرده‌اند. امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر این برابری را این‌گونه معرفی کردند: «... مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش هستند» (امیرخانی و آغاز، ۲۰۱۱).

حضرت در خطبه ۲۳۴، علل تفاوت میان انسان‌ها را تنها در این سخن خویش خلاصه کرده‌اند: «علت تفاوت‌های میان مردم، گوناگونی سرشت آنان است، زیرا آدمیان در آغاز، ترکیبی از خاک شور و شیرین، سخت و نرم بوده‌اند، پس آنان به میزان نزدیک‌بودن خاکشان با هم نزدیک و به اندازه دوری آن، از هم دور و متفاوتند. یکی زیباروی و کم‌خرد، دیگری بلندقامت و کم‌همت. یکی زشت‌روی و نیکوکار، دیگری کوتاه‌قامت و خوش‌فکر، یکی پاک‌سرشت و بداخلاق، دیگری خوش‌قلب و آشفته‌عقل و آن دیگر سخنوری دل‌آگاه است» (امیرخانی و آغاز، ۲۰۱۱). ایشان در خطبه ۲۰۵ در پاسخ به کسانی که نسبت به کار حضرت مبنی بر رعایت تساوی بین آحاد مختلف مردم اعتراض کردند، فرمودند: «... اما اعتراض شما که چرا با همه به تساوی رفتار کردم،

این روشی نبود که به رأی خود و یا با خواسته دل خود انجام داده باشم، بلکه من و شما این‌گونه رفتار را از دستورالعمل‌های پیامبر اسلام (ص) آموختیم...» (دشتی، ۲۰۱۴).

حضرت وجود تمام قشرهای مختلف مردم را در جامعه ضروری دانسته‌اند و موفقیت هر گروه را در گروهی موفقیت گروه دیگر می‌پنداشتند و به مالک اشتر فرمودند: «...ای مالک، بدان! مردم از گروه‌های گوناگونی هستند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد و هیچ‌یک از گروه‌ها از گروه دیگری بی‌نیاز نیست. از آن قشرها لشکریان خدا و نویسندگان عمومی و خصوصی، قضات دادگستر، کارگزاران عدل و نظم اجتماعی، جزیه‌دهندگان، پرداخت‌کنندگان مالیات، تجار و بازرگانان، صاحبان صنعت و پیشه‌وران و نیز طبقه پایین جامعه، یعنی نیازمندان و مستمندان هستند که برای هر یک خداوند سهمی مقرر داشته و مقدار واجب آن را در قرآن یا سنت پیامبر (ص) تعیین کرده است که پیمانی از طرف خداست و نگهداری آن بر ما لازم است» (دشتی، ۲۰۱۴).

حضرت علی (ع) در حکمت ۸۱ ارزش انسان را در علم و دانش توصیف کرده و فرموده‌اند: «ارزش هر کس به مقدار دانایی و تخصص اوست» (دشتی، ۲۰۱۴). بنابراین، در صورت وجود نابرابری، ارزش انسان نیز خدشه‌دار خواهد شد. ایشان از آن نظر علم و دانایی را والا محسوب می‌کردند که نمود هوش و قابلیت‌های افراد جامعه موجب می‌شود بسترسازی مناسب برای تشریک مساعی فراهم شود و در نهایت این امر ایجاد کارآفرینی، تشکیل سرمایه انسانی و اجتماعی و غیره را که مؤلفه‌های دانش هستند، امکان‌پذیر خواهد کرد. امام علی (ع) به خوبی در حکمت ۲۷۴ اهمیت وجود علم در انجام امور را تشریح کرده و فرموده‌اند: «...پس هرگاه دانستید عمل کنید و چون به یقین رسیدید، اقدام کنید» (دشتی، ۲۰۱۴).

دلیل تأکید ایشان را می‌توان بدین گونه تبیین کرد که قرارداد علم و دانش در محوریت همه امور، به‌ویژه در بحث اقتصاد، نتایجی همچون افزایش کیفیت تولید، بهره‌وری، کارایی و اثربخشی را به دنبال خواهد داشت. بنابراین بنابر مبانی یادشده در جامعه اسلامی، باید فرصت‌ها و امکانات در تمام حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره به صورت عادلانه و برابر میان افراد جامعه توزیع شود تا آنان ضمن به دست آوردن رفاه اقتصادی، در راستای قرب الهی به پرورش فضائل اخلاقی و کرامات انسانی خود بپردازند و در نهایت مسیر حرکت حکومت اسلامی نیز به سمت اهداف تسهیل شود.

۲-۳- مؤلفه‌های دانش

۱-۲-۳- سرمایه اجتماعی

شاید بتوان از سرمایه اجتماعی به عنوان مهم‌ترین نوع سرمایه یاد کرد که بر کارکرد اثربخش دیگر سرمایه‌ها، از جمله سرمایه انسانی تأثیر بسزایی دارد. این سرمایه به منابعی همچون اطلاعات، اندیشه‌ها، فرصت‌های کسب‌وکار، سرمایه مالی، قدرت و نفوذ، پشتیبانی احساسی، خیرخواهی، اعتماد و همکاری اشاره می‌کند که در شبکه‌های کسب‌وکار یا شبکه‌های فردی به وجود می‌آید (سیدنقوی و عبدالله‌پور، ۲۰۱۰). اعتماد، اتحاد، مشارکت، تعهد و غیره را می‌توان به عنوان مهم‌ترین ابعاد سرمایه اجتماعی معرفی کرد. از آنجا که این ابعاد

بیشتر بر نحوه انجام کار دلالت می‌کند، حضور سرمایه اجتماعی در جامعه موجب می‌شود زمینه‌های مناسب برای انجام کارها به نحو اثربخش‌تر و کارتر فراهم شود. به علاوه تسهیم دانش میان اعضای سازمان و جامعه نیز از مهم‌ترین نتایج بسیار تأثیرگذار سرمایه اجتماعی است که وجود آن مقدمات لازم برای قرار گرفتن دانش در محوریت امور را مهیا می‌کند. همچنین توزیع عادلانه درآمد از طریق فراهم کردن فرصت و امکانات برای تمامی افراد جامعه زمینه مشارکت و اتحاد را مهیا می‌کند و بدین ترتیب بر سرمایه اجتماعی تأثیرگذار است. بنابراین، سرمایه اجتماعی با فراهم کردن فضایی مشارکت‌آمیز و با نشاط در جامعه و نیز با اثرگذاری بر کارکرد دیگر سرمایه‌ها، شرایط و مقدمات لازم برای دانشی شدن اقتصاد را فراهم می‌کند و بعد از آن است که تحقق اقتصاد مقاومتی دور از ذهن نخواهد بود.

نگاهی گذرا به احکام مهم اسلامی همچون حج، نماز، جهاد و غیره نشان می‌دهد مسئله جامعه و اجتماع تا چه حد در دین مبین اسلام مهم تلقی شده است. در حقیقت اسلام دینی صرفاً فردی نیست و بسیاری از جنبه‌های اجتماعی را شامل می‌شود. سرمایه اجتماعی از نظر اسلام مشابه با تعریف دانشمندان غربی است با این تفاوت که در چارچوب دینی و اسلامی پذیرفته شده است و در سطحی فراتر از توسعه اقتصادی به دنبال ایجادکردن شرایطی برای خداگونه‌شدن انسان و قرب الهی است. امام علی(ع) با سرلوحه قراردادن تعالیم روح‌بخش قرآن و پایه‌گذاری حکومت خویش بر اساس دستورات الهی، در فرمایشات خود نه تنها درباره ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی که پیش‌تر به آن اشاره شد سخن گفته‌اند، بلکه با وجود شرایط بسیار سخت آن زمان، بر اجرای آن در عمل پایبندی بیشتری به خرج داده‌اند. مهمترین بُعد سرمایه اجتماعی را می‌توان اعتماد میان اعضا نامید که به خوبی در سخنان امام علی(ع) مشهود است.

ایشان در فرمایشات خود در سطح نخست، مردم را به اعتماد بر خدا و وعده‌های به‌حق او فرامی‌خوانند. در خطبه ۸۲ که به آن خطبه غزا می‌گویند، درباره اعتماد بر خدا فرموده‌اند: «...از او یاری می‌طلبم که توانا و پیروز است و به او توکل می‌کنم چون تنها یاور و کفایت‌کننده است...» (دشتی، ۲۰۱۴). ایشان وجود اعتماد در دوستی را نیز بسیار مهم پنداشته‌اند و در نامه خود به امام حسن(ع) فرموده‌اند: «...هرگز حق برادرت را به اعتماد دوستی‌ای که با او داری ضایع مکن...» (دشتی، ۲۰۱۴). واضح است که دوستی میان اعضای سازمان یا جامعه نتایجی به مراتب اثربخش‌تر از نبود آن دارد و به همین دلیل است که امام علی(ع) به آن عنایت داشته‌اند. حضرت علی(ع) در بخش دیگری از فرمایشات ارزشمندشان خطاب به فرمانده خود، مالک اشتر، درباره جلب اعتماد و رضایت عموم مردم فرموده‌اند: «دوست داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه‌ترین و در عدل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد... زیرا ستون‌های استوار دین، اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم هستند.

پس به آن‌ها گرایش داشته باش و اشتیاق تو با آن‌ها باشد...» (دشتی، ۲۰۱۴). بُعد دیگری که در سرمایه اجتماعی بسیار مهم تلقی شده است، مسئله مشارکت است. بنا بر اقتضا، در زمان حکومت امام علی(ع) از بسیج مردم به منظور مشارکت آن‌ها در امور، یاد شده است. ایشان درباره بسیج مردم در خطبه ۲۱۲ فرموده‌اند:

۶. در مفاهیم دینی اعتماد بر خدا را معادل با توکل بر خدا عنوان کرده‌اند.

«خدا یا! هر کدام از بندگان تو که سخن عادلانه دور از ستمکاری و اصلاح کننده دور از فساد انگیزی ما را نسبت به دین و دنیا شنید و پس از شنیدن سر باز زد و از یاری کردنت باز ایستاد و در گرمی داشتن دین تو درنگ و سستی کرد، ما تو را بر ضد او به گواهی می طلبیم...» (دشتی، ۲۰۱۴). در صورت وجود مشارکت در جامعه علاوه بر پیشرفت بهتر کارها، در دستیابی به اهداف نیز به دلیل ایجاد هم افزایی، تسریع حاصل خواهد شد. همچنین مشارکت افراد جامعه، تسهیم دانش، مهارت و تخصص را نیز به ارمغان خواهد آورد و این امر موانع بر سر دانشی شدن اقتصاد و تحقق مقاومتی را تا حدی برطرف می کند.

وجود وحدت میان افراد جامعه نیز از عواملی است که سرمایه اجتماعی را تحقق می بخشد. امام علی (ع) ضرورت وحدت را در خطبه ۱۲۱ تبیین و افراد را از پراکندگی نهی کرده اند و فرموده اند: «...همانا شیطان راه های خود را به شما آسان جلوه می دهد تا گره های محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید و به جای وحدت و هماهنگی بر پراکندگی شما بیفزاید و در پراکندگی، شما را دچار فتنه گرداند...» (دشتی، ۲۰۱۴). در نهایت لازم است گفته شود با وجود آنکه ظهور عبارت سرمایه اجتماعی در پیشرفت جوامع موضوعی نسبتاً جدید است، اما در دستورالعمل های قرآن و نیز در حکومت علوی به ابعاد آن اشاره شده است. در نتیجه نظر به اهمیت سرمایه اجتماعی در پیشبرد اهداف، الزامی است کشورهای اسلامی با الگو قرار دادن فرمایشات امام علی (ع) در مسیر بهبود این نوع سرمایه گام بردارند.

۲-۲-۳- آموزش و سرمایه انسانی

با نگاهی به روند توسعه یافتگی کشورهای صنعتی، می توان اذعان کرد وجود افرادی متخصص و ماهر در استفاده از تجهیزات و ماشین آلات که به دنبال خود افزایش بهره وری عوامل تولید و همچنین افزایش کیفیت محصولات را دارد، عاملی کلیدی برای دستیابی به اهداف است. بنابر تعریفی، سرمایه انسانی به مهارت ها و دانشی اشاره دارد که افراد واجد آن هستند (امیرخانی و آغاز، ۲۰۱۱). با قرار گرفتن دانش در محوریت اقتصاد اهمیت این موضوع دوچندان شده است؛ چراکه سرمایه انسانی و سرمایه گذاری بر آن از مهم ترین عواملی است که جامعه را در پیشبرد اهدافش یاری می رساند. دلیل این امر را بدین نحو می توان تشریح کرد که دستیابی به نوآوری در تولید برای حرکت در مسیر توسعه و همچنین بسط فعالیت های تحقیق و توسعه^۷ که بسترهای لازم را برای دانشی شدن اقتصاد فراهم می کند و موجب می شود خلأ فنی که بین کشورهای توسعه یافته و در حال گذار وجود دارد، کاهش پیدا کند، منوط به وجود نیروهایی توانمند و با دانش است. بنابراین در عصر اقتصاد دانش بنیان، راهکار مهم و عملی کاهش فاصله میان خلق دانش و کاربرد دانش و تبدیل علم به نوآوری در تولید، استفاده از نیروی کار آموزش دیده و سرمایه انسانی بالاست (شاه آبادی، صادقی و امیری، ۲۰۱۴).

در تربیت سرمایه انسانی متخصص، آموزش به عنوان اولین گام، نقش بسزایی ایفا می کند. از آنجا که هرگونه تغییر و تحول کیفی منوط به کارآمدی نیروی انسانی است و این نیرو و ظرفیت هایش تنها منبع پایان ناپذیر شناخته می شوند، با ارزش ترین سرمایه گذاری برای یک کشور تربیت نیروی انسانی توانمند است و این مهم از طریق نظام آموزشی اثربخش قابل دستیابی است (اصغری، ۲۰۱۴). بنابراین در اقتصاد دانش محور بر خلاف

اقتصاد سرمایه‌محور، تولید، تابعی از فعالیت‌های علمی، سرمایه انسانی و آموزش است. با توجه به آنکه اقتصاد مقاومتی به عوامل درونی تکیه دارد، با آموزش و پرورش نیروهای متخصص و کاردان، تحقق اقتصاد مقاومتی دور از ذهن نخواهد بود.

مکتب اسلامی برای انسان و ارزشمندی‌های او اهمیت زیادی قائل شده است. تا آنجا که هدف نهایی حکومت اسلامی پرورش توانایی‌ها و ظرفیت‌های افراد و همچنین کمک به آن‌ها برای کسب فضائل و کمالات انسانی است. سیره عملی امام علی (ع) در طول دوران حکومت به‌خوبی نمایانگر جایگاه والای دانش و دانشمندان در حکومت اسلامی است. با آنکه جوامع غربی و پیشرفته تنها چندی است که سرمایه انسانی را مقدم بر سرمایه فیزیکی محسوب کرده‌اند و در تئوری‌های خود از ضرورت آن سخن گفته‌اند، امام علی (ع) در ۱۴۰۰ سال پیش هم در شرایطی که جایگاهی برای ارزش سرمایه انسانی و توانمندی‌های او وجود نداشت؛ به این موضوع مهم اشاره کرده‌اند. اگر علم را نماینده‌ای از سرمایه انسانی و ثروت مشهود را نماینده‌ای از سرمایه فیزیکی قلمداد کنیم، در حکمت ۱۴۷ حضرت به‌خوبی مقایسه این دو و اهمیت سرمایه انسانی نسبت به سرمایه فیزیکی را تشریح و تبیین کرده‌اند. ایشان خطاب به کمیل بن زیاد فرمودند: «ای کمیل! دانش بهتر از مال است، زیرا علم نگهبان تو است و مال را تو باید نگهبان باشی؛ مال با بخشش کاستی پذیرد و علم با بخشش افزونی گیرد؛ مقام و شخصیتی که با مال به دست آمده است با نابودی مال نابود می‌شود... دانش فرمانروا و مال فرمانبر است» (دشتی، ۲۰۱۴).

امام علی (ع) در حکمت پنج، ارزش دانش و اندیشه را این‌گونه توصیف کرده‌اند: «دانش میراثی گرانبها و اندیشه آینه‌ای شفاف است» (دشتی، ۲۰۱۴). حضرت در موارد متعددی از جمله خطبه ۱۱۰ و حکمت‌های ۲۸۴، ۳۳۸، ۵، ۱۷۲ و غیره درباره ضرورت فراگیری علم و دانش سخن گفته‌اند، چراکه ایشان به‌خوبی بر نتایج مثبت و اثربخش آموزش در تربیت نیروی انسانی واقف بوده‌اند. به همین دلیل است که در حکمت ۹۶ استادان و علما از نظر ایشان هم‌طراز با پیامبران الهی قرار گرفته‌اند. در کنار قائل شدن جایگاه والا برای دانشمندان، ایشان از بیان شرح وظایف آنان نیز غافل نشده‌اند و برای مثال درباره این موضوع در حکمت ۴۷۸ فرموده‌اند: «خدا از مردم نادان عهد نگرفت که بیاموزند، تا آنکه از دانایان عهد گرفت که آموزش دهند» (دشتی، ۲۰۱۴).

روشن است که در این فرمایش امام، علم‌آموزی و آموزش، هر دو عهده‌ای از طرف خداوند معرفی شده‌اند که عمل به آن واجب است. حضرت علی (ع) به دلیل آنکه مردم را با علم و دانش پیوند و اهمیت این موضوع را به آنان نشان دهند، در خطبه ۱۰۵ که تنها اندکی پس از به‌دست گرفتن حکومت ایراد شد در جمع عموم مردم فرمودند: «...پس در فراگیری علم و دانش پیش از آنکه در ختش بخشکد تلاش کنید و پیش از آنکه به خود مشغول شوید از معدن علوم دانش استخراج کنید» (دشتی، ۲۰۱۴). امام علی (ع) گنجایش فراگیری علم و دانش را بی‌نهایت دانسته‌اند و هیچ حدی برای آن قائل نشده‌اند و در این باره فرموده‌اند: «هر ظرفی با ریختن چیزی در آن پر می‌شود، جز ظرف دانش که هرچه در آن جای دهی وسعتش بیشتر خواهد شد» (دشتی، ۲۰۱۴).

نکته قابل توجهی که از این فرمایش امام قابل استنباط است، از این قرار است که حکومت اسلامی در هیچ شرایطی نباید به دانش موجود اکتفا کند، بلکه با قدم گذاشتن در مسیر علم ضروری است که فعالیت‌های

علمی خود را با سرعت بیشتری بسط دهد. از موارد بسیار مهم این قبیل فعالیت‌ها، توسعه تحقیقات در زمینه تحقیق و توسعه است، چراکه موجب می‌شود علاوه بر پرکردن شکاف فناوری که بین کشورهای اسلامی و دیگر کشورهای صنعتی به وجود آمده است، تولیدات کیفی و هدفمند شوند و نیز امور بر محوریت علم مدیریت شود. بدیهی است که این فرایند در ادامه به اقتصاد دانش‌بنیان و افزایش قدرت رقابت‌پذیری و وابستگی متقابل و پس از آن اقتصاد مقاومتی منجر خواهد شود. از نظر حضرت علی (ع) نیز نمود علم در عمل و هماهنگی این دو بسیار اهمیت دارد. ایشان در حکمت ۳۶۶ فرموده‌اند: «علم و عمل پیوندی نزدیک دارند و هر کس باید به آن عمل کند؛ چراکه علم، عمل را فراخواند، اگر پاسخش داد می‌ماند و گرنه کوچ می‌کند» (دشتی، ۲۰۱۴).

در نامه امام علی (ع) به مالک اشتر که نمونه کاملی از آداب حکومت‌داری است نیز توصیه به استفاده دانش در عمل به چشم می‌خورد: «...با دانشمندان فراوان گفت‌وگو کن و با حکیمان فراوان بحث کن که مایه آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانون است...» (دشتی، ۲۰۱۴). از نظر امام علی (ع) مسئله آموزش و تربیت سرمایه انسانی آن قدر اهمیت دارد که در خطبه ۳۴ آن را این‌گونه بیان کنند: «...حق شما بر من این است که شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید» (دشتی، ۲۰۱۴). بنابراین از وظایف بسیار مهم حکومت در قبال افراد جامعه، آموزش آن‌ها و به نوعی تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص است که آن را در مسیر نیل به اهداف یاری کند. در نهایت می‌توان بدین‌گونه جمع‌بندی کرد که مهم‌شمردن نقش سرمایه انسانی در پیشرفت کشور، سرمایه‌گذاری در آن و نیز فراهم کردن بستری برابر و عادلانه برای توزیع فرصت‌های آموزشی علاوه بر آنکه جامعه را در پیشبرد اهدافش به سمت تحقق اقتصاد دانش‌بنیان و اقتصاد مقاومتی یاری می‌رساند، موجب می‌شود افراد نیز پی به توانمندی‌ها و قابلیت‌های خود ببرند و در مسیر قرب الهی حرکت کنند.

۳-۲-۳- کارآفرینی

کارآفرینی فرایند شناسایی فرصت‌های اقتصادی و ایجاد کسب‌وکار و شرکت‌های جدید، نوآور و رشدیابنده‌ای است که در آن از فرصت‌های شناسایی شده بهره‌برداری می‌شود و کالاها و خدمات جدید عرضه می‌شود (شهنازی، مودن جعفری و اکبری، ۲۰۱۳). شومپیتر^۸، صاحب‌نظر پیشگام در زمینه کارآفرینی، کارآفرین را فردی ریسک‌پذیر و جسور می‌داند که خلاقیت و نوآوری را به مرحله اجرا درمی‌آورد و نقشی بسیار مهم در تحقق اقتصاد دانش‌بنیان ایفا می‌کند، زیرا همان‌گونه که گفته شد در اقتصاد دانش‌بنیان به کاربردن دانش و اطلاعات در تمامی فعالیت‌ها، محرک اصلی رشد و کارآفرین نیز فردی است که با بهره‌گیری از توانمندی‌های خود ایده جدیدی ارائه و آن را به مرحله اجرا می‌رساند. در واقع فعالیت‌های کارآفرینانه بر پایه علم و آگاهی صورت می‌گیرد. مهم‌ترین آثار توسعه کارآفرینی گسترش هرچه بیشتر نوآوری، ارتقای سطح فناوری، افزایش تعداد ثبت اختراعات و ابداعات، تولید دانش فنی، ایجاد اشتغال و تغییر در توزیع درآمد و ثروت در جامعه است که خود نتایج همچون افزایش ثروت ملی را به دنبال خواهد داشت (شهنازی و همکاران، ۲۰۱۳).

از آنجا که در کارآفرینی نیاز شدیدی به خلاقیت و نوآوری و تولید ایده‌های جدید است و این موارد نیز خود نشئت گرفته از فعالیت‌های تحقیق و توسعه است، بنابراین توسعه کارآفرینی حرکت بخش‌های مختلف را به

8. Schumpeter

سمت این‌گونه فعالیت‌ها میسر می‌کند. بسط این قبیل فعالیت‌ها از طریق قراردادن دانش در محوریت عموم کارها و بهره‌وری در تولید، افزایش کیفی محصولات و خدمات و نیز گسترش سهم بازار را به دنبال خواهد داشت. وجود کارآفرینی تقویت بخش خصوصی را در پی دارد و زمینه‌ای برای مردمی کردن اقتصاد فراهم می‌کند. کارآفرینی ارتباط تنگاتنگی با آموزش و سرمایه‌انسانی و نیز سرمایه اجتماعی دارد. در کارآفرینی علاوه بر داشتن ویژگی‌های ذاتی که در قبل به آن اشاره شد، کسب بسیاری از مهارت‌ها و فنون که تنها از طریق آموزش قابل دستیابی است نیز ضروری است. همچنین باید خاطر نشان کرد کسب علم و دستیابی به نوآوری برای توسعه کارآفرینی شرط لازم است و شرط کافی در گرو وجود افراد متخصص و کارآمدی است که آن را به اجرا درآورند. گارسیا و ولاسکو^۹ نیز در مطالعه‌ای این گفته را تأیید کردند و نشان دادند حضور افراد ماهر و آموزش دیده به تنوع بخشی فرایندهای فناورانه و گسترش نوآوری کمک بسزایی می‌کند (شاه‌آبادی و همکاران، ۲۰۱۴). به دلیل آنکه ایجاد برابری، از کانال توزیع مناسب و عادلانه فرصت‌ها، نقش مستقیمی در رشد استعداد و ظرفیت افراد و تشکیل سرمایه انسانی را دارد، در توسعه کارآفرینی نیز سهیم است.

با نگاهی به دستورات و فرامین اسلامی به وضوح قابل دریافت است که کار و تلاش در حکومت اسلامی جایگاهی بسیار رفیع را دارد. در این بین کارآفرینی و استفاده از اندیشه یا تفکری نو در ایجاد شغل، فرصت و فرایندهای دیگر، جایگاهی به مراتب بالاتر را به خود اختصاص داده است. از نظر فرهنگ اسلامی، کارآفرین فردی تلاشگر است که با اتکا به نفس و توکل به خدا می‌تواند در مسیر منافع فردی و اجتماعی گام بردارد و با بهره‌گیری از خلاقیت و نوآوری مبتنی بر وجدان کاری و انضباط اجتماعی به تغییر، تحول و توسعه بپردازد (هزارجریبی، ۲۰۰۹). با نگاهی به سیره عملی پیامبرانی همچون حضرت سلیمان، حضرت داود و غیره به خوبی قابل دریافت است که کارآفرینی در حکومت دینی بسیار مهم تلقی شده است و در دستیابی به توسعه‌های عادلانه جایگاهی ویژه دارد. پیامبر اکرم (ص) درباره اهمیت نوآوری و کارآفرینی می‌فرماید: «پاکیزه‌ترین کار و محصول، دستاورد خود فرد است» (سبحانی، احقاقی و نادری، ۲۰۱۲).

آنچه در فرمایشات ارزشمند امام علی (ع) بیشتر به چشم می‌خورد، ارائه سیاست‌ها و توصیه‌هایی برای تبیین مفهوم کارآفرینی و تربیت انسان‌های کارآفرین و خلاق است. با وجود آنکه در سخنان گهربار ایشان درباره موضوع مذکور به وضوح مطلبی گفته نشده است، با نگاهی به سیره عملی امیرالمؤمنین، فعالیت‌هایی همچون حفر قنات یا ایجاد نخلستان به چشم می‌خورد که می‌تواند گواهی بر اهمیت موضوع کارآفرینی در حکومت علوی محسوب شود. از آنجا که کارآفرینی فرایند خلق و به‌کارگیری ارزش‌ها و فرصت‌هاست؛ امام علی (ع) در موارد متعددی همگان را به مغتنم شمردن و بهره‌برداری از فرصت‌ها سفارش کرده‌اند. ایشان در نامه خود به امام حسن (ع) می‌فرمایند: «...پیش از آنکه فرصت از دست رود و اندوه به بار آورد، از فرصت‌ها استفاده کن» (سبحانی و همکاران، ۲۰۱۲). بررسی نهج‌البلاغه و دیگر سخنان گهربار امام علی (ع) نشان می‌دهد که ویژگی‌های فرد کارآفرین در فرمایشات ایشان به خوبی تشریح شده است. از جمله خصوصیات بسیار بارز کارآفرین، ریسک‌پذیری است. امام علی (ع) در این خصوص فرموده‌اند: «اگر از کاری بیمناک هستی خود را در آن افکن، زیرا ترس از هر کاری بزرگ‌تر از خود کار است» (سبحانی و همکاران، ۲۰۱۲).

9. Garcia & Velasco

همچنین حضرت درباره پشتکار و سماجت در انجام کار که از دیگر ویژگی‌های فرد کارآفرین است نیز می‌فرماید: «کسی که به کارهای گوناگون پردازد، خوار شده و پیروز نمی‌گردد» (دستی، ۲۰۱۴). اتکا به نفس که از خصوصیت‌های مهم فرد کارآفرین است هم در نامه امام علی (ع) به فرزندشان به چشم می‌خورد: «...نگهداری آنچه در دست داری نزد من بهتر از آن چیزی است از دیگران بخواهی...» (دستی، ۲۰۱۴). داشتن برنامه‌ریزی دقیق برای انجام امور که به نوعی دیگر ویژگی‌ها را پوشش می‌دهد و از نظر دانشمندان بسیار مهم ارزیابی شده در نامه حضرت به مالک اشتر مشهود است: «...کار هر روز را در همان روز انجام ده، زیرا هر روزی کاری مخصوص به خود دارد» (دستی، ۲۰۱۴). بارتو^{۱۰} در مطالعه خود از شش عامل به عنوان ویژگی‌های کارکردی‌ای که یک کارآفرین باید آن را داشته باشد نام برد که از جمله آن می‌توان به عوامل تصمیم‌گیری و محکم‌کاری و هماهنگ‌کننده اشاره کرد (سبحانی و همکاران، ۲۰۱۲).

امام علی (ع) در سخنان ارزشمند خود این دو موضوع را به‌خوبی عنوان کرده‌اند. در اسلام پایبندی به تصمیمات گرفته‌شده و تداوم عمل بسیار حائز اهمیت است و امام علی (ع) نیز در این خصوص فرموده‌اند: «کار اندکی که ادامه یابد از کار بسیاری که از آن به ستوه آیی، امیدوارکننده‌تر است» (دستی، ۲۰۱۴). همچنین حضرت پیرامون هماهنگی نیز فرموده‌اند: «به چیزی مشغول و هماهنگ باش که مسئول آن هستی» (سبحانی و همکاران، ۲۰۱۲). بنابراین با وجود اشاره نکردن مستقیم امام علی (ع) به کارآفرینی و نوآوری، توجه به برخی از ویژگی‌های بسیار مهم و الزام‌آور فرد کارآفرین در سخنان ایشان به‌خوبی قابل مشاهده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت با وجود آنکه در زمان حکومت حضرت، کارآفرینی به معنای امروزی وجود نداشته است، اما ایشان توصیه‌ها و سیاست‌های کاربردی و اثربخشی را در این زمینه مطرح کرده‌اند. در نتیجه ضروری است کشورهای اسلامی با الگوبررسی از این سیاست‌ها در مسیر بسترسازی هر چه بهتر کارآفرینی و نهادینه کردن خلاقیت و نوآوری در انجام امور حرکت کرده تا به نتایج مطلوب و مورد انتظاری که پیش‌تر نیز به آن اشاره شد، دست پیدا کنند.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

بعد از شدت گرفتن تحریم‌ها از سوی جوامع غربی علیه جمهوری اسلامی ایران و نیز طرح مفهومی با نام اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر معظم انقلاب، پژوهشگران مختلف درصدد آن شدند با بررسی مفهوم مذکور، برای تبیین و تشریح مؤلفه‌های آن گامی اساسی بردارند. با نگاهی به پژوهش‌های صورت گرفته شاخص‌هایی همچون مردمی کردن اقتصاد، کاهش وابستگی به نفت، اصلاح الگوی مصرف، مبارزه با فساد، حمایت از تولید داخلی و از همه مهم‌تر اقتصاد دانش‌بنیان را می‌توان از جمله مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی دانست. به دلیل آنکه قرار گرفتن دانش در محوریت امور خود نتایجی همچون افزایش کیفیت تولیدات، گسترش بازارهای جهانی، توسعه فعالیت‌های تحقیق و توسعه، تقویت بخش خصوصی و غیره را به همراه دارد و به عبارتی سایر مؤلفه‌ها را پوشش می‌دهد؛ دانش به عنوان مهم‌ترین بُعد شناخته می‌شود. مطالعات مختلف نشان می‌دهد سرمایه انسانی و آموزش، سرمایه اجتماعی و کارآفرینی از جمله مؤلفه‌های مهم و مؤثر برای دانش‌بنیان شدن اقتصاد است.

همچنین برابری به عنوان عاملی که بسترساز بسط مؤلفه‌های دانش است، بررسی شد، زیرا موجب می‌شود

10. Barreto

فرصت‌ها و امکانات به طور برابر و عادلانه توزیع شود و بدین ترتیب زمینه برای بارور شدن ظرفیت‌ها و استعداد‌های افراد فراهم شود. بدیهی است که در این صورت تشکیل سرمایه انسانی و اجتماعی و نیز گسترش فعالیت‌های کارآفرینانه دور از ذهن نخواهد بود. از طرفی به دلیل آنکه اهداف مکتب اسلامی در سطح وسیع‌تری نسبت به دیگر مکاتب مطرح است و در درجه‌ای بالاتر قرب الهی به عنوان هدف غایی مدنظر است، ضروری است کشورهای اسلامی با الگوگیری از دستورات الهی که نمونه کامل آن در سیره حکومت‌داری امام علی (ع) مشاهده می‌شود، در مسیر پیاده‌سازی مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان و نیز دستیابی به اقتصاد مقاومتی گام بردارند.

با توجه به مباحث مطرح‌شده در قسمت‌های قبل، این پژوهش به هدف خود که چگونگی بهره‌گیری از شیوه حکومت‌داری امام علی (ع) برای پیاده‌سازی مؤلفه‌های دانش به منظور دستیابی به اقتصاد مقاومتی بود، دست پیدا کرد. به این ترتیب که در ابتدا لازم است اصول حکومتی امام علی (ع) شناخته و تشریح شود و از آن برای ارائه سیاست‌های مطلوبی که فضا را برای پیاده‌سازی مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان فراهم می‌کند؛ استفاده شود. در کنار آن و در گام دوم ضروری است مقدمات لازم برای تشکیل سرمایه اجتماعی فراهم شود. بعد از آن است که فضای نشاط، اطمینان، کوشش، نوآوری و غیره در جامعه مهیا می‌شود و می‌توان شاهد ایجاد و گسترش فعالیت‌های کارآفرینانه و نیز آموزش و تربیت سرمایه انسانی بود. بدیهی است موارد مذکور در ادامه به دانش‌بنیان شدن اقتصاد و تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی منجر می‌شود و در آن صورت جامعه اسلامی نیز می‌تواند راحت‌تر اهداف عالی خود را که همان قرب الهی و خداگونه‌شدن انسان است، دنبال کند.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

در این مقاله از پرسش‌نامه یا اطلاعات مربوط به افراد مختلف استفاده نشده است. در صورت استفاده از متون و اطلاعات سایر مقالات، نویسنده آن در قسمت رفرنس ذکر شده است.

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت‌نویسندگان

همه نویسندگان در آماده‌سازی این مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

References

- Amirkhani, T., & Aghaz, A. (2011). [Increasing human capital: Step toward social capital development (A case study: National petrochemical company) (Persian)]. *Management Research in Iran*, 15(1), 31-50.
- Asadi, A. (2014). [Islamic economic system is a complete model for resistive economy (Persian)]. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 2(5), 25-39.
- Asghari, M. (2014). [The religious training and its influence on the resistive economy (Persian)]. *Islamic Social Studies*, 19(4), 137-60.
- Behoudi, D., & Amiri, B. (2010). [The long-term relationship between knowledge-based economy and economic growth in Iran (Persian)]. *Science and Technology Policy*, 2(4), 23-32.
- Dashti, M. (2014). [*Nahj al-Balagha* (Persian)]. Qom: Payam-e Moggaddas.
- Emadzadeh, M., Shahnazi, R., & Dehghan Shabani, Z. (2006). [The study of the realization of the knowledge economy in Iran (comparative comparison with 3 neighboring countries) (Persian)]. *The Economic Research*, 6(2), 1-22.
- Galabova, L. P. (2012). Developing a knowledge-based economy through innovation policy: The cases of Bulgaria, Finland and Scotland. *Science and Public Policy*, 39(6), 802-14. [DOI:10.1093/scipol/scs050]
- Griffin, K. B. (1996). [*Alternative strategies for economic development* [H. Raghfar., & M. H. Hashemi, Persian Trans]. Tehran: Ney.
- Hazar Jaribi, J. (2009). [Entrepreneurship and islamic ethic (Persian)]. *Social Sciences*, 16(47), 1-35.
- Pirayi, Kh., & Rezaei, H. (2010). [Optimal size of income inequality in Iran (Persian)]. *Journal of Economic Studies*, 1(1), 17-31.
- Rahbar, F., Saifoddin, A. A., & Rahbar, A. H. (2014). [An approach to the ontology of resistance economics: An attempt for an islamic view through the transition of economic and social systems (Persian)]. *Methodology of Social Sciences and Humanities Journal*, 20(78), 135-61.
- Rahbari Banaian, G., Amjadi, K., & Soltani Fesghendi, G. (2012). Analyzing the effect of knowledge based economy indices on countries GDP. *Productivity Management*, 6(21), 83-103.
- Saifoddin, A. A., & Rahbar, A. H. (2013). [A study on Islam's Simplification in reaching Knowledge-Based Economy (Persian)]. *Journal of Science and Technology Policy*, 5(4), 67-82.
- Seyednaghavi, M. A., & Abdolapoor, M. (2010). [The relationship between social capital and organizational entrepreneurship (Persian)]. *Journal of Entrepreneurship Development*, 3(9), 103-29.
- Shahabadi, A., Sadeghi, H., & Amiri, B. (2014). [The effect of human capital on innovation in selected OIC countries (Persian)]. *Iranian Journal of Trades Studies*, 18(70), 1-22.
- Shahnazi, R., Moazzen Jamshidi, H., & Akbari, N. (2013). [The role and position of the knowledge-based economy on the formation of special areas of science and technology: Case study of Iranian economy (Persian)]. *Roshd-e Fanavari*. 9(36), 121-41.
- Sobhani, H., Ahgaqi, M., & Naderi, E. (2012). [Entrepreneurship from the perspective of monotheistic religions with emphasis on the islamic economic system (Persian)]. *Journal of Entrepreneurship Development*, 5(4), 7-25.